



بیرامون اعتراضات حق طلبانه توده‌ای اخیر در آذربایجان!

در روزهای اخیر، چاپ غیر مترقبه چند کاریکاتور موهن و خشم برانگیز در روزنامه دولتی "ایران" بر علیه فرهنگ و زبان ترکی و درج مطالب اهانت آمیزی بر علیه مردم تحت ستم آذربایجان منجر به وقوع یک رشته تظاهرات و ناآرامی‌های گسترده در شهرهای تبریز، ارومیه، نقده و تهران گشته است.

با اوج‌گیری ناآرامی‌ها، هزاران تن از مردم بجان آمده در تبریز و ارومیه و سپس نقده به خیابان ریختند و با شعار دادن بر علیه رژیم جمهوری اسلامی، به دفتر روزنامه "ایران" و ساختمان صدا و سیمای رژیم حمله کرده و بر اساس گزارشات منتشره، این مراکز را تخریب کرده و به آتش کشیدند. در جریان حملات مردم در این شهرها، به بانک‌ها و ساختمان‌های دولتی نیز خساراتی وارد گشت. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی با حمله به تظاهرکنندگان در شهرهای مختلف، چند نفر را کشته و صدها نفر را دستگیر کردند. شمار نامعلومی از مردم معترض نیز به دست مزدوران رژیم زخمی شدند. بدنبال این حوادث، دستگاه سرکوب رژیم پس از تعلل اولیه اعلام کرد که کاریکاتور بیست مربوطه و مدیر روزنامه ایران دستگیر و این روزنامه "توقیف" گشته است. اما این اقدام نیز مانع از ادامه ناآرامی‌ها نشد. اکنون دستگاه‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی در همه جا در نقش دایه مهربان‌تر از مادر برای خلق تحت ستم ترک ظاهر شده و برای مردم آذربایجان اشک تمساح می‌ریزند و از خدمات آنان نسبت به "اسلام" و "نظام" اسلامی دم می‌زنند.

واقعیت این است که کاریکاتور و مطالب درج شده در روزنامه "ایران" آنچنان موهن، بیشرمانه و کثیف بود که نمی‌توانست با واکنش مردم مبارز و شریف آذربایجان آنهم در شرایط بحرانی کنونی و در حالی که جان مردم از مظالم بیشمار سیستم سرمایه‌داری و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به لب رسیده است، مواجه نشود. در روزنامه ایران با اغراض کثیفی، زبان ترکی به "زبان سوسکها" تشبیه شده و در ادامه برای سرکوب "سوسکها" استفاده از "روشهای شیرین خشونت آمیز" تجویز گشته و پیشنهاد شده که برای "انقراض" نسل آنها، باید "منابع غذایی" سوسکها را با "نرفتن به توالت"، "قطع" نمود تا آنها از گرسنگی بمیرند!

این موضوع که منتشرکنندگان چنین مطلب کثیفی وابسته به کدام دار و دسته ضد خلقی در رژیم جمهوری اسلامی می‌باشند و یا چه ابیادی مزدوری در دم و دستگاه این رژیم وابسته به امپریالیسم وظیفه پیشبرد سیاست‌های ضد خلقی امپریالیست‌ها در شرایط بحرانی کنونی را از طریق این روزنامه دولتی پیش بردند، بعداً روشن خواهد شد. اما آنچه مسلم است این است که انتشار چنین مطالبی بر علیه خلق ترک در شرایط نابسامان کنونی بیانگر تلاشی ضد انقلابی برای کانالیزه کردن مبارزات عادلانه و انقلابی آنها به مسیرهای انحرافی و بهره‌برداری از آن به نفع دشمنان مردم می‌باشد. تلاشی ضد خلقی برای ایجاد تفرقه و نفاق بین خلق‌های تحت ستم ما و از بین بردن اتحاد مبارزاتی آنها در مبارزه تاریخی و طولانی و یکپارچه‌شان بر علیه دشمن مشترک همه خلق‌های ایران. این اقدام اساساً در خدمت آن سیاست ضد انقلابی‌ای قرار دارد که با سنگر گرفتن پشت خواست‌های برحق ملی توده‌ها در واقع می‌کوشد در اوضاع بحرانی کنونی مبارزات عادلانه توده‌ها در راستای تحقق خواست‌های برحق‌شان را در جهت اهداف ارتجاعی و ضد انقلابی کانالیزه کرده و جهت دهد.

در این شکی نیست که ستم ملی در تمامی جوانب اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن و از جمله تحقیر خلق‌های تحت ستم و توهین به زبان و فرهنگ و رسوم آنان همواره یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر حاکمیت سلطه امپریالیستی و رژیم‌های وابسته به امپریالیسم سلطنت پهلوی و جمهوری اسلامی در کشور ما را تشکیل داده است. رژیم‌های ضد خلقی حاکم و دستگاه‌های تبلیغاتی آنان همواره کانال اصلی اعمال این ستم و مشوق و حامی آن بوده‌اند. در نتیجه نه تنها کمونیست‌ها، بلکه هیچ انسان آگاه و مبارز و داعیه‌دار دمکراسی و آزادی نمی‌تواند ستم ملی را با هیچ بهانه‌ای توجیه، و به این اعتبار توهین به فرهنگ و زبان و رسوم خلق‌های تحت ستم ایران را بپذیرد و یا از بار ضدمردمی آن بکاهد.

حرکت گسترده اعتراضی مردم در تبریز و ارومیه و درگیری با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، قبل از هر چیز، از اوضاع بحرانی جامعه و از شدت سرکوب، فقر و استثمار و مظلوم و نابرابری‌هایی خبر می‌دهد که رژیم دیکتاتور حاکم در تمامی عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بطور روزمره بر توده‌های زحمتکش ما وارد می‌آورد. بحرانی که با هر جرعه به یک انفجار اجتماعی تبدیل شده و توده‌های تحت ستم را به مقابله و رویارویی قهرآمیز با کلیت نظام ضدخلقی حاکم می‌کشاند. ابعاد وحشتناک فقر و فلاکت، گرسنگی و بیکاری و ستم و سرکوب و دیکتاتوری هر روز موج جدیدی از مبارزات قهرآمیز کارگران، دانشجویان، زنان، جوانان و خلق‌های تحت ستم را به سطح جامعه می‌راند. گسترش امواج مبارزات دلاورانه کارگران و دانشجویان و جنبش‌های اعتراضی خلق‌های تحت ستم ما در اقصی نقاط ایران و سرکوب ددمنشانه تمامی آنها توسط رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی، آنهم تنها در طول چند ماه گذشته بخوبی از "خطر" انفجار پتانسیل مبارزاتی سهمگینی در سطح جامعه خبر می‌دهد که در صورت جاری شدن، ضربات بزرگ و غیرقابل جبرانی را متوجه نه تنها رژیم، بلکه کل نظام ضدخلقی حاکم که در جهت منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران وابسته ایران سازماندهی شده، خواهد نمود. این، آن واقعیت مبارزاتی برجسته‌ایست که از چشم دشمنان مردم ما (امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران وابسته و همه نمایندگان و ایادی گوناگونشان) مخفی نمی‌باشد.

در شرایط کنونی، امروز کارگران و خلق‌های تحت ستم ما در وضعیتی بسر می‌برند که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در یک موقعیت بحرانی و خطرناک قرار دارد. امری که سردمدارانش نیز به آن اذعان دارند. در عین حال، فشارها و تهدیدهای امریکا در چارچوب گسترش مناطق نفوذ و تلاش در جهت حفظ سرکردگی جهانی‌اش مطرح است که آن را با توجیه جلوگیری از دستیابی رژیم به انرژی هسته‌ای و "مبارزه با تروریسم" از طریق توسل به استراتژی "جنگ بی‌پایان" و توسعه حضور مستقیم نظامی امریکا در خاورمیانه پیش می‌برد. که این امر رژیم جمهوری اسلامی را در معرض یک تهدید موجودیت جدی قرار داده است. با در نظر گرفتن مجموعه این اوضاع است که نیروهای مرتجع از هر رقم، این دشمنان قسم‌خورده خلق‌های ایران، به شدت به تکاپو افتاده‌اند تا ضمن به انحراف کشاندن مبارزات انقلابی و برحق توده‌های تحت ستم ما، اهداف ضدانقلابی خود را به پیش ببرند که سوءاستفاده از احساسات ملی توده‌ها و دامن زدن به دشمنی و ایجاد تفرقه در بین توده‌های زحمتکش خلق‌های ایران از آن جمله می‌باشد.

واضح است که در چنین شرایطی نیروهای آگاه و انقلابی باید با تمام قوا ضمن دفاع بی‌قید و شرط از حق ملل تحت ستم در تعیین سرنوشت خویش و محکوم کردن هرگونه ستمگری ملی، در مقابل سیاست امپریالیستی ایجاد تفرقه در بین خلق‌های تحت ستم و تشدید اختلافات ملی که با هدف تضعیف کلیت جنبش ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ما صورت می‌گیرند بایستند. این وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و توده‌های آگاه و مبارز است که نگذارند تا جنبش انقلابی مردم ما از مسیر اصلی خود یعنی سازمان دادن یک انقلاب اجتماعی به منظور نابودی سیستم سرمایه‌داری حاکم، قطع نفوذ امپریالیست‌ها و پایان دادن به هر نوع دیکتاتوری، منحرف گردد. تنها در شرایط استحکام هرچه بیشتر پیوندهای مبارزاتی بین توده‌های ستم‌دیده ترک، فارس، بلوچ، عرب، کرد، لر، ترکمن و به طور کلی با اتحاد انقلابی تمامی کارگران و خلق‌های تحت ستم ایران و مقابله یکپارچه آنان با اعمال نفوذ امپریالیست‌ها و مرتجعین است که مردم ما می‌توانند امیدوار باشند که دشمنان خود را از هر رقم در پیکاری متحدانه شکست داده و خواست‌های برحق توده‌ها از جمله حق تعیین سرنوشت خلق‌های تحت ستم ایران تا سر حد جدایی، را برآورده سازند.

سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
نابود باد امپریالیسم با همه ایادی مزدورش!
زنده باد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش!
برقرار باد پیوند مبارزاتی کارگران و خلق‌های تحت ستم در سراسر ایران!
پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران
۹ خرداد ۱۳۸۵ (برابر با ۳۱ مه ۲۰۰۶)